



23 آگست 2018

داکتر سید عبدالله کاظم

## مجموعه ارشادات و بیانات شاه امان الله غازی

### حین لویه جرگه 1303

به مناسبت نود و نهمین سالگرد استقلال کشور

(قسمت هفتم)

نظریات و مشاورت لویه جرگه در مسایل داخلیه

ظهر دوشنبه (۳۰) سرطان

اعلیحضرت مجلس را آغاز کردند و فرمودند: «بنام خداوند مهربان آغاز میکنم. بحث ما در تعدد ازواج بود که قرار رأی عمومی و مسائل مفتی بها حنفی فیصله شد، حالا بفرمائید بکدام یک ماده آن بحث دارید، تا بر آن گفت و شنود بعمل آید.»

یکنفر ملا (عضو لویه جرگه) بکمال ادب بعرض رسانید: «فوائد و عوائدی را که ذات معالی صفات پادشاهی در توقیف نکاح صغاره سنجیده اند، برهمگان ظاهر است و نمایان. فاما بعضی از مردمان منافقت پیشه و دشمنان افغانستان برین حکم همایونی تنقید مینمایند و در حقیقت در تنقید خویش حق بجانب نیز شمرده میشوند. آرزو دارم که نکاح صغیره ممنوع قرار داده نشود.»

اعلیحضرت در جواب او به شرح موضوع پرداخته و فرمودند: «این خادم ملت همواره آرامی و آسوده بودن شما را در زیر نظر دارم و از خداوند همیشه خواستارم که در بین عموم ملت افغانستان یک اتفاق و وفاق کلی حکمفرما بوده خداوند نفاق و دونی و خرابیها را از عموم سکنه افغانستان دور داشته باشد. معلوم است که یگانه موجب بغض و عداوت و فرقه بندی در این سر زمین افغانی اکثر از نکاح صغیرات بعمل می آید. دو نفر بالای یک دختر که آن بیچاره قلباً یکی از ایشان را خواستار نیست، دعوی میکنند و هر کدام وسائل جایز و نا جایز را برای بدست آوردن مدعای خود بکار میبرد. اما چون آن دخترک مظلومه در صغارت بصورت مشروع یا غیرمشروع بیکی از این دو نفر از طرف اولیای او به نکاح داده شده است و یا ابداً به احدی از این دو مدعی داده نشده، لکن این مرد ناحق برآن مظلومه دعویرا اقامه داده بعد تضييع اوقات و مصارف بسیار و مشاجرات و مناقشات زیاد آن دخترک را یکی از آنها بهر ذریعه ممکنه که باشد، در حباله نکاح خود می آورد و اثرات آن، حریف مقابل او را که زنرا باخته است، برین امر وادار میکند که بضرر مالی و جانی این مرد بکوشد، و این مسئله رفته رفته کسب و خامت میکند.»

از طرف دیگر آن منکوحه مظلومه که جبراً بزور پول و شاهد و گواه و حکم نهاد های حکومتی و محکمه، عیال برای آن مرد قرار داده شده است، چون طبعاً و قلباً این مرد را بنظر اکراه مینگرد و محبت او را بدل نمی پروراند، از این روهمواره عیش و حیات هر دویشان منغض میباشد و نه در مال و نه در اولاد شان برکت و منفعتی چنانچه شاید و باید بعمل می آید.»

اعلیحضرت به سخنان خود ادامه دادند و فرمودند: «اکثریه بعد از ایجاب و قبول زمان صغارت بیکی از طرفین عوارض جسمانی و مادی هم رسیده در زمان بلوغ مرد زنرا و زن مرد را بواسطه

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولۍ

داغهای چپک که بر رخسار هایشان عائد میشود یا بواسطه سوختگی و یا از بام افتاده گی و یا بواسطه افلاس و یا دیگر اسبابیکه حتماً در این قدر مدت که طرفین بسن بلوغ میرسند، واقع شدنی است، بنظر نفرت نگریسته نفع و مقصد و ائتلافی که از ازدواج است، در آن فوت میگردد، بلکه بجای دوستی و محبت هر روزه، بمنافرت و مشاجرت میپردازند.

بسیار دیده شده است با اینکه صغیره را اولیای او در طفلی بنکاح داده است، اما در کلانی این صغیره به هزار حيله و بهانه خود را از همدیگر جدا کرده اند و در بسا اوقات ولی بعد از اعطای صغیره خود بیک نفر وفات میکند و دیگر از این موقع استفاده کنان برآن دختر دعوی مینماید، چون [ولی] در قید حیات نیست که قول یکی از این دو نفر را تصدیق کند، از این رو مسئله بمنزعه می انجامد. و اکثریه برخی از مردمان دنیا دوست با اینکه صغیره خود را بیک نفر نامزد میکند، اما چون از افلاس و بعضی اعمال او مطلع می شود، علی الفور از وی دلسرد شده بهزار حيله و بهانه آن صغیره خود را از وی خلاص کرده بديگری که صاحب ثروت و مال وهستی میباشد، او را میدهد. از این رویه نامرضیه، خود را با صغیره مأخوذ عنده الله مینماید.

بنا بر این فقرات و اسبابیکه به شمه از آن تلمیح رفت، این خیر خواه و منفعت پسند بملت خویش امر نمود که مناکحات صغاریکه ما قبل از این شده اند، به سه سال باید خاتمه داده شود و در محاکم عدلیه رفته اگر دعاوی آنها که عموماً ناحق و بجز از تضيع اوقات دیگر ثمری نمیدهد، شنیده نمیشود و در آئیه باید بنکاح صغیره اقدام ننمایند.»

حضرت صاحب نورالمشایخ گفتند: «چیزیرا که اعلیحضرت غازی فرموده اند از نقطه نظر شفقت و عاقبت اندیشی خیلی درست است، فاما نکاح صغیره از مهمات بزرگ مسائل فقهیه است و در آن اباحت مطولی در معرکته الأرای در کتب فقهیه مرقوم آمده است، حتی عدّه از مرتاضین نکاح صغیره را براینکه حضرت رسالت پناهی ام المومنین حضرت عائشه صدیقه (رض) را در صغارت نکاح کرده اند، مسنون [سنت] نیز شمرده اند، لذا رجاء میشود که نکاح صغیره جائز و دعاوی آن در محاکم مسموع گردد.»

مولوی عبدالواسع در جواب حضرت صاحب گفت: «حکمی که در انسداد نکاح صغیره شده است، درست است و امر اولوالامر در مثال این مسائل حکم وجوب [واجب بودن] را در بر میگيرد، زیرا این مسئله مُسَلَّمَةٌ اصول است که قول ضعیف و لفظ قلیل را امر اولوالامر بمرتبه وجوب میرساند، حالانکه نکاح صغیره مباح است. چون باین فعل مباح امر اولوالامر انضمام یافت، ظاهراً حکم وجوب را دریافته است. از اینرو باینکه نکاح صغیره در کتب فقهیه صرف جواز داشت چون برخلاف آن حکم همایونی صادر شد، ظاهراً و شرعاً ممنوع گردید.»

ملاء خطاب به مولوی عبدالواسع گفت: «چیزی را که شما و امثال شما در نظامات کور کورانه از مسائل ضعیف و خیالات سخیفه خود داخل کرده اید، حقیقتاً ملامتی بر ذات ستوده صفات امیر معظم غازی ما نیست. تنها مظلومه و گناه آت بر شما و امثال تان است. آیا شما نمیدانید و از زبان حضرت صاحب نشنیدید که حضرت ختمی مرتبت سیدنا عائشه را در آوان صغارت نکاح کرده است و عدّه از اهل سلف و خلف براین امر دوام ورزیده اند و این نکاح صغیره نیز از امور مسنون شمرده میشود. پس چگونه سنت بقول اولوالامر نه تنها از رتبه مسنونیت اسقاط [ساقط] بلکه بر خلاف آن حکمی اصدار گردد.»

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

مولوی عبدالواسع در جواب گفت: «ملاصاحب! شما در تعریف سنت سهو کردید و بر مغالطه، نکاح صغیره را مسنون قرار دادید زیرا که آن از سنن عادی و طبیعی است. چنانچه حضرت رسول اکرم (ص) طعام تناول فرموده و خفته اند و تفریح مزاج و غیره اموراتیکه طبعاً با یک انسان ملزوم است، کرده اند، ضمناً صغیره را نیز نکاح فرموده اند. پس از آن عادت و طبیعت نبایست یک امر مسنونی را استخراج کرد.»

قاضی عبدالرشید که یکی از اعضای تمیز است، بر علیه مولوی صاحب بر پا خواسته بیانیه طولانی را در عدم جواز امتناع نکاح صغیره و سهو و مغالطه مولوی عبدالواسع ایراد نمود که روح کلام او این الفاظ است که بنکاح دادن صغیر و صغیره یکی از حقوق و ولایت پدر و مادر کلان است که بدانها شارع این حق و امتیاز را محض بدینواسط که آنها کمال شفقت و مرحمت را نسبت به پسر و نواسه خود مرعی میدارند، ارزانی نموده است، پس او الامر و یا دیگریرا چه حق است که این حقوق حقه را که تمام کتب فقهیه باب وجوب داده ساقط کند و عدم جواز نکاح صغیره را اعلان کند. امثال ما را نباید محض بغرض رسوخ و اعتبار و تشخیص خود مسائل کج و روایات معوج برای مافوق خود که ما را وکیل و کفیل در امور شرعیه مقرر داشته است، تقدیم نموده به نزد عموم خود را مسؤل نمائیم.

{گویا قاضی عبدالرشید توهم داشت بعض خطاء و یا سهواتیکه از هیئت تمیز سابق در بعض نظامات بوقوع پیوسطه است، ذمه داری آنها تنها بر مولوی عبدالواسع است که خود را بامثال این اقوال بنظر حضار با اینکه یکی از اعضای مهم همان هیئت تمیز بود، بر علیه دیگر اعضای خویش که تماماً باسنتهای مولوی عبدالواسع مهر سکوت را بر دهان مبهوت خود گذارده بودند، نشان داده صفائی و دانائی خود را برحضار حال مینمود بلکه بزبان حال تقاضای این امر را شاهد مینمود که در آتیه ریاست هیئت تمیز را نظر بدین معلوماتیکه دارم و حقایقی که میسراریم، تنها خود مستحکم و ازین رو در جواب او گفته شد. ب.د.}

**علیحضرت در این ارتباط فرمودند:** «قاضی صاحب ازین بیانیه شما علی العموم چنان مفهوم میشود که این نظامنامه را تنها مولوی عبدالواسع بر طبق شریعت گفته و تصویب نموده امر بانطباق آن داده است. شما و باقی اعضای شما در ملاحظه و تصویب و تدقیق آن هیچ مداخله ننموده اید. حالانکه تمام نظامات بعد از اینکه از ملاحظه شما گذارش می یاید بامضاء و دستخط های شما مطابق شرع شریف انگاشته میشود، سپس از آن در محل اجراء گذارده میشود. متأسفانه در این نظامنامه نمیدانم که بکدام واسطه مهر و امضای شما نیست خیر، در دیگر نظاماتیکه مهر جناب عالی است، خدا کند که کدام لفظ و یا عبارت و یا مضمونی مورد تنقید و تردید "لویه جرگه" گردد تا منهم طوریکه خودت اظهار کردی شما را هم تحت استنطاق آورده مجازاتی را که در خور باشی، بالایت اجراء گردد.»

**علیحضرت در ادامه فرمودند:** «امورات شرعیه در این نظامنامه و در سائر نظامات محول بدین علمای تمیز بوده است، که به پیشگاه شما حاضرند و یگانه نصیحت و احکام و سپارش من نیز به علماء همین بود که باید هیچ یک اساس و شالوده را که بر خلاف شریعت محمدی (ص) باشد، در نظامات نگذارند که داخل باشد. اکنون آنها از امثال این روایات ضعیفه و قیاسهای سخیفه را که به پیشگاهی ما و شما بحث میکنند، کار گرفته اند. باینکه من عالم و قاضی و مدرس نمیباشم، تنها خود را یک خادم و محافظ و سرباز شما میدانم، خوبتر دانستم و فهمیدم که اینها از امانت و دیانت نصیحتیکه من بدانها بار بار توصیه نموده بودم، کار نگرفته اند و بیانگ دهل ظاهر و علانیه و پیشروی شان میگویم که بار مسئولیت آن بر ذمه و رقبه خود آنهاست. این بحث را که سابق برین خودم در مفاد نکاح کبارت و مضار مواصلت زمان صغارت نمودم از روی علمیت و شریعت نبود تنها از تجربهای شخصی خودم که از مدت درازی از زمان شهزاده گی خویش الی آلان بخدمت شما ملت مشاغلتم دارم،

بوصول آمده است. از روی دلایل عقلی و مسموعی و دیدگی و تصور شخصی من بوده که رفته رفته از تأیید و تصدیق همین علماء که به نزد شما حاضر نشسته اند جامه تصدیق و صورت یقین را در برکشید.

البته این مسئله یکی از عقاید لا تغیر من است که دین اسلام و شریعت سیدالانام یک دین بسیار مقدس و یکطریقه از حد مکملی است که نه در سابق و نه در ازمنه لا حق نظیر و مثیل آن در جای شده و یا خواهد شد. ( یوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا) هر نقص و خرابی که در امورات ما بنظر می آیند، در حقیقت تماماً نقص و خرابی خود او از اشخاص است.

اسلام بذات خود ندارد خللی — هر عیب که است در مسلمانی

چنانچه از تصفیة این چند مبحث خودغرضی و حقیقت پوشی ملاصاحب های تمیز ظاهر شد که خوب است چون شریعت نکاح صغیره را مانع نشده، من نیز در انسداد آن رضامند نیستم و سر از حال حکم جوازش را نافذ میکنم. لکن نظر بدعاوی و مشاجراتیکه در مواصلت های صغارات بوقوع انجامید و نکاح صغیره موجب گفت و شنید و مخاصمت متمادی است، اندکی قیود شرعی را برآن گذارید چون مرا پدر معنوی و خیر خواه حقیقی عموم ملت افغانی میدانید و این یکی از وظایف پدر به پسر و مهتر به کهتر از مضار و معایب و نقصانات او را پیش بینی نموده اطلاعات بدهد از این رو عرض میدارم که شما حضار و کالتاً این درخواست مرا به عموم ملت من ابلاغ نمائید با اینکه شرعاً نکاح صغارت جائز است، فاما چون نتیجه آن بدعاوی و مشاجرات و مناقشات و منفرات طرفین می انجامد حتی الوسع باید از مواصلت صغارت به پرهیزند.»

**اعلیحضرت بازهم به سخنان خود ادامه دادند و فرمودند:** «محض جهت اینکه علماء ما بر مسائل ضعیفه و روایات مروجه کار نکنند و امثال آن کلمات را در اساس نظامات ما در آتیه نگذارند، از لویه جرگه در انسداد آن نیز رأی میخواهم زیرا که خودم و امثال من در ظاهر هیچ فرق مابین یکی از شما علماء نمی انگارم بلکه عموم شما را از حسن ظنی که خاصه هر فرد مسلمان است، در باطن هر کدام تانرا صادق، مسلمان و متدین صاحب وجدان و خادم شریعت و ملت و اسلامیت و مملکت تان می انگارم و در ظاهر نیز ماشاء الله عمامه و جبه و قبه هر کدام مخصوصاً از علمای تمیز ما جالب توجه و موجب حیرت و دقت است تا در آتیه هر کس بنابر اغراض نفسی و تشخیص پسندی خود این مسائل ضعیفه را در قوانین اسلامیه داخل نکنند و هم از باب غرض و معاندین را جای اعتراض و سخن و نکته گیری بدست نیفتد و اشخاصیکه قصداً بگفتار امثال این اقوال اقدام کنند، مجازات بنگرند.»

**اعلیحضرت خطاب به حضار لویه جرگه فرمودند:** «بشما گفته شده که سخن های خارج از مطلب وقت را ضایع میکند. حاجت بدعا گوئی نیست. خوب شد که نظامنامه عروسی و نکاح از نظر تان گذشته مورد قبول شد. چیزیرا که من در این نظامنامه بشدت گرفته بودم و خواهش داشتم که اگر تمام لویه جرگه در آن برخلاف ام شوند، چون او را من بر خلاف مفاد ملت می پندارم من آنرا قبول نخواهم کرد دو مسئله بود (۱) عدم تقید [قید کردن] مسئله مهر (۲) سر از نو باز ترویج بدی.

ضربه مدهشی که برای اقتصادیات ملت مظلوم وارد آورده الی مادام الحیات زهر قاتل بود، همانا دو بازی [بالا بردن] و اضافه و زیاده ستانی مهرهای عروسیهای بود که ماقبل از اینکه مرد مظلوم از عیش و راحت دنیا تمتع و استفاده نماید، نه تنها مرد بلکه همخوابه او نیز از بیرحمی و عدم عدالت و نا روائی و بالاخره بواسطه پابندی والدین دختر برسوم و رواج قدیم نامشروع دچار ورطه فلاکت و ادبار

و افلاس و ضیق معیشت گردیده با یک مردیکه وی نیز تمام هستی و ثروت خود را بر آن بر باد کرده است، دچار شده امرار حیات سرا پا عسرت را مینمودند. همه تان بخاطر دارید که چه مجالس ها و چه تزیین اوقاتها و چه گفت و شنید ها و چه سخت گیریها در مهر ها قبل از این احکام تحدید مهر بعمل می آمد، حتی از ضرب المثل هائیکه در آن اوقات در موقع کثرت و زیادت "حق و مهر" زبان زد "پدر و کیلها" و "خسرخیل ها" بود، چند مثل مشهور آنرا نیز خودم بخاطر دارم. در مجلس هائیکه مباحثات طویل و مذاکرات مدید از طرف خسرخیل و خواهش تقلیل آن از جانب داماد خیل بعمل می آمد، بعد گفت و شنید و عذر و معذرت بسیار "پدر و کیل" و یا خسرخیل علت خواستن آن مبلغ هنگفت و وجه بسیار معینه مهر را میگفت که یگانه مقصد ازین ازدیاد فوق العاده مهر آنست که دختر ما بالای داماد، صاحب عزت و مرتبت باشد و میگفتند ازین خواهشات زاید خود خواهشمندیم که این عروس را بنظر دامادخیل خود "میخ زرین و صد گز بزمین و نمانیم" و اکثریه بغرض رضامندی دامادخیل بهمه گونه مطالبات خسرخیل در معامله نکاح از طرف دخترخیل بالای شوهر "صد خروار استخوان پشه" درمهر خواسته میشد که آنها بعد از شفیع آوردن خدا و رسول و اولیاءالله خسرخیل را از آن مطالبه او باز داشته بعوض آن یک مبلغ گزافی را قبولدار میشدند.

(۲) بدی است که درین نظامنامه ممنوع قرار داده شده است و ماقبل از اشتهار آن در تمام افغانستان این فعل خجالت آور در بین دو قوم و دو عشیره و دو خاندان بنا به ادنا حرکت و یا ادنی یک سخن باندازه مرعی و معمول بود که همواره موجب تزیین اوقات مامورین دولتی و عمائد ملکی و اعزه بود و کلان شونده ها را تصفیه نمودن همین مسئله بدی گرفتن و بدی دادن بود (مخصوصاً در اقوام افغانی خاصه در اقوام کوه نشین) حتی بخاطر دارم در یکی از وقایع یک قوم بالای دیگر قوم هفتاد هزار دختر دوشیزه را بطور بدی گذارده بود. این قوم که محکوم به عطای (۷۰) هزار دختر شده بودند، بخانه چندین سید و ملاء و ریش سفید بقسم عذر و معذرت رفته از آنها استدعا نموده اوشانرا تکلیف میکردند. تا بنزد قوم "بد طلب" رفته چیزی تخفیف در تعداد بدی برای ما بگیرند تا آنکه پس از عذر و معذرت خواهی غیرمتناهی و شفیع آوردن خدا و رسول (ص) از هفتاد هزار دوشیزه به (۷) دختر فیصله کرده این امر موجب مسرت و فرحت قومی که باعطای بدی مجبور بودند، گردیده البته اکثری از حضرات این معامله را بیاد خواهند داشت و هم این از مسئله مسبوق خواهند بود که در بدی اکثریه بیوه و دختران شیرخواره نیز گرفته میشد.

بعد از مروری بر نظامنامه تعزیه داری و نظامنامه تجاریه که چندان مورد بحث زیاد قرار نگرفت و با استثنای چند ابراز نظر مواد آن تائید گردید، **اعلیحضرت پایان جلسه آروز اعلام کردند و فرمودند:** «اکنون ساعت بما و شما پوره شدن وقت مجلس را نشان میدهد. از بیانات بعضی از علمای حاضره شما چنان مستنبط شد که برای آنها نظامنامه جزای عمومی و جزای عسکری و دیگر نظاماتی را که شما اسمای آنها را بیرون نویس کرده اید، داده شود تا که هر کدام آنها بر هر ماده و فقره و مسئله آن علم آوری کرده و تمام مندرجات آنرا با مسائل مفتی بها قویه کتب فقهیه مخصوصاً بمذهب امام همام ابو حنیفه (رح) کوفی تطبیق داده در خاتمه خلاصه نظریات خود تانرا بدون جواب و سؤال و گفت و شنید مزید به لویه جرگه تقدیم نمائید تا بر طبق آن اصلاحات بعمل آید. لهذا نه تنها برای هر واحد شما نظامات مطلوبه بتعداد مکفیه بهمراه کتب و فتاوی معتبره حنفیه برای یکشب داده میشود، بلکه فردا نیز محض بغرض همین مقابله تدقیق و تحقیق شما انعقاد لویه جرگه بدین ترتیب ملتوی است تا شما علمای اعلام علمای جید و متدین و متقی و دانسته را از میان خویش انتخاب کرده در مندرجات نظامات غور و خوض را بکار برید، اعتراضات، اصلاحات، تنقیدات و توضیحات خود تانرا متعاقباً بدون طوالت

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولۍ

مجلس و گفت و شنید غیرمفید بالاخصار برای حضار لویه جرگه اظهار دارید تا بالاتفاق بر طبق آن  
تعمیل کرده شود.» به این ترتیب برای غور و مذاقه بر اسناد، اوراق و فتاوی شرعیه، روز سه شنبه  
۳۱ سرطان روز تعطیل اجلاس اعلام گردید.

(ادامه دارد)

---

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ